

قرائنخانه (قمارخانه)، کارخانه (روسبی خانه)، باسمه‌خانه (چاپخانه).

ترکیبات نو ساخته فارسی در زبان عثمانی محدود به حد معینی نیست. به این چند نمونه هم توجه فرمایید: کار آشنا (کارشناس)، لسان آشنا (زبان‌دان و مطلع به زبانهای خارجی)، کار آزما (کار آزموده)، آرزو کش (مشتاق)، جهان آشوب (برهم زن جهان)، آشوبگاه (محل بروز اغتشاش).

در میان این ترکیبات که در زبان فارسی سابقه نداشته به نمونه‌های نغز و دلاویزی هم برمی‌خوریم که جای آنها در زبان فارسی خالی است. بررسی در این زمینه از نظر زبان‌شناسی و جمع‌آوری شواهد جدیدی برای اثبات قدرت و ترکیب‌پذیری زبان فارسی ضرورت بسیار دارد.

در این تصرفات مالکانه بسیاری از تعبیرات را هم در معنایی غیر از آنچه در فارسی معمول است به کار برده‌اند. مثلاً:

آفتاب را، به معنی زیباروی و ماهروی

آسایش را، به معنی امنیت عمومی و صلح و رفاه عمومی

آبدان را، به معنی آبپاش باغبانی

گشاد کردن را، به معنی محاصره کردن

مکافات را، به معنی جایزه و پاداش

یا از کلمه تراش و تراشیدن، به قیاس اسم مفعول عربی، کلمه «مطروش» را

ساخته‌اند.

تنظیمات پیش می‌رفت و سازمانها و نهادهای نوین برپا می‌شد. در برخورد با مفاهیم جدید اداری و سیاسی و قضایی باز هم لغاتی از فارسی برمی‌گزیدند یا می‌ساختند و این اصطلاحات در روزنامه‌ها و کتابها جای می‌گرفت. بعدها، چون پیشروان تجدد در ایران مثل میرزا تقی خان امیر کبیر و میرزا حسین خان مشیرالدوله (سپهسالار) در ایجاد تجدد چشم به عثمانی داشتند، همان اصطلاحات دوباره به زبان فارسی بازگشت. نظیر: دارالفنون، مشروطه، جمهوری، قانون اساسی، مجلس ملی، مجلس مبعوثان، مجلس مؤسسان، صدراعظم، عدلیه، نظمیة، دیوان تمیز، دیوان محاسبات، محاکم جنحه و جزا و تمیز، علم حقوق، انتخابات، اصلاحات، ادبیات،

مطبوعات، هیئت رئیسه، انجمن نظارت، سفیر کبیر، مستشار، اکثریت، اقلیت، نزاکت سیاسی و صدها کلمه دیگر.

در ایران، با سیر پیشرفت طبیعی زبان فارسی، برخی واژه‌های نغز تر و فصیح‌تر جانشین پاره‌ای از این اصطلاحات گردیده، و برخی از آنها نیز جزو زبان فارسی امروز درآمده و بر سر زبانها و قلمهاست.

تدریس فارسی در مدارس

تدریس فارسی در مدرسه‌ها و مکتبخانه‌های عثمانی همیشه معمول بوده است. از نیمه‌های قرن سیزدهم هجری که مدارس به طرز جدید دایر شد، تدریس فارسی هم در آنها ادامه یافت. با صدور فرمان تنظیمات، مدارس جدید به طرز مدارس اروپایی تأسیس شد و درس فارسی جزو برنامه‌های رسمی قرار گرفت و تا سال ۱۳۰۷ شمسی که الفبای لاتین معمول شد ادامه یافت. برای این مدارس علاوه بر تدریس پاره‌ای از متون، کتابهای درسی خاصی هم تألیف و چاپ شده است.

یک جلد کتابشناسی ترکیه در باره ایران^۱ به سال ۱۳۵۰ از طرف کتابخانه ملی آنکارا به همت بانوی دانشمند مؤگن جمهوری رئیس آن روزی کتابخانه منتشر شده است که حاوی مشخصات ۱۳۲۲ کتاب و مقاله است که به زبان فارسی یا ترجمه از متون فارسی یا در موضوعات مربوط به ایران در ترکیه چاپ شده است و نسخه آن در کتابخانه ملی موجود است.^۲

با اینکه کتابخانه ملی آنکارا هم مثل کتابخانه ملی خودمان ناقص است و همه کتابهای منتشر شده مخصوصاً کتابهای سالهای قدیم‌تر را در اختیار ندارد، با این همه

۱- کتابشناسی ترکیه در باره ایران

Milli Kütüphane Yayınları: Türkiye'de basılmış Farsça eserler çeviriler ve İran'la ilgili yayınlar Bibliyografyası, Ankara, 1971.

۲- مقاله‌ای تحت عنوان «کتابهای آموزش فارسی در عثمانی» به قلم علی گنج‌لی از فضلی ترک در نامواره دکتر محمود افشار (جلد اول ص ۵۸۹-۶۰۴) چاپ شده است که با اینکه نویسنده ادعا می‌کند که خود تک‌تک کتابها را دیده است ولی مسلم است که بیشتر آنها برگرفته از همان نشریه کتابخانه ملی است بدون ذکر نام آن!

آن کتاب منبعی سودمند و حاوی اطلاعات جالبی است. من این کتاب را به منظور کسب اطلاع از کتابهای درسی فارسی در صد و پنجاه سال گذشته بررسی کردم و نتایج زیر به دست آمد.

از چاپهای مکرر و متعدد چنین برمی آید که پیش از آنکه تألیف کتابهای خاص درسی آغاز شود این متنها تدریس می شده است:

پندنامه [منسوب به] عطار دست کم ۲۳ بار چاپ شده که نخستین آن در ۱۲۵۱ و آخرین آن در ۱۳۱۸ قمری بوده است. این رقم مربوط به چاپهایی است که نسخی از آنها در کتابخانه ملی موجود است و قطعاً چاپهای متعدد دیگری هم بوده که نسخی از آنها در این مجموعه نیست. بعضی از این چاپها ترجمه یا شرحی نیز همراه دارد. از گلستان سعدی ۱۵ چاپ در کتابخانه ملی در آنکارا موجود است که نخستین آنها تاریخ ۱۲۵۵ و آخرین آنها تاریخ ۱۳۰۳ قمری را دارد.

از بوستان سعدی ۵ چاپ موجود است، نخستین از سال ۱۲۸۸ و آخرین آنها از ۱۳۰۸.

از بهارستان جامی ۵ چاپ، نخستین آنها از ۱۲۷۵ و پنجمین آنها از ۱۳۱۱ در دست است.

برای آموختن دستور زبان فارسی، کتابی به نام قواعد فارسیه از سید محمد مراد بن خلیل متداول بوده که ۱۸ چاپ آن موجود است، نخستین از سال ۱۲۴۹ و آخرین از ۱۳۱۴ قمری و این ظاهراً ترجمه از کتابی به نام مفاتیح الدریه بوده است. شرحی بر قواعد فارسیه از محمد توفیق [همدانی] چندبار چاپ شده است.

* * *

بعد از صدور فرمان تنظیمات، آموزشگاههای جدید به طرز اروپایی و با دوره‌های معین ابتدایی (دبستان)، رشدیه (راهنمایی)، اعدادیه (دبیرستان)، دارالشفقه (پرورشگاه)، دارالفنون (دانشگاه) تأسیس یافته؛ و زبان فارسی در برنامه همه این مدارس جای داشته است. این بار کتابهای فراوانی را به طرز نوین مرکب از منتخبات با تمرینات و سؤال و جوابها و نیز قواعد زبان تألیف و چاپ کرده‌اند. و در هر کتابی

قید شده که با تأیید وزارت معارف برای تدریس در سال معینی از يك دوره معین تحصیلی اختصاص دارد.

ذکر نامهای همه مؤلفان کتابهای درسی، برای خوانندگان ایرانی جالب نخواهد بود. علاقه‌مندان به منبع ذکر شده (صفحات ۳۳-۴۲) مراجعه خواهند نمود. در اینجا فقط اسامی کتابها را به ترتیب نخستین چاپ آنها می‌آوریم. سالها هجری قمری است، محل چاپ تنها در صورتی که خارج از ایستانبول باشد ذکر می‌شود.

فریده‌الدریه فی قواعد الفارسیه (۱۲۵۷)، تکلم فارسی (۱۲۶۲)، نتیجه القواعد، قواعد فارسیه (۱۲۶۹)، قواعد فرسیه و نظام الکلام (۱۲۶۹)، تعلیم فارسی (۱۲۶۵) تعلیم الفارسی، تحفة السعداء الویسی (۱۲۷۱)، نصایح الفارسیه (اخلاق) چاپ پنجم (۱۲۷۳)، نغشرة فارسی (۱۲۸۱)، منتخبات شاهنامه (۱۲۸۱)، تعلیم فارسی (۱۲۸۳)، درة القواعد الفارسی، تعلیم الفارسی (۱۲۸۶)، گوهر فارسی (چاپ قونیه، ۱۲۸۸)، گزیده قواعد فارسی (۱۲۸۹) نصایح حکما برای مکاتب رشديه (چاپ نهم ۱۲۹۰)، قواعد لسان فارسی (۱۲۹۱)، گوهر سنجیده (۱۲۹۵)، تعلیم فارسی برای مدارس رشديه (۱۲۹۷)، گنجینه قواعد فارسیه (برای مکاتب ابتدائیه و سلطانیه ۱۲۹۹) نصایح حکما (از لقمان و عطار و دیگران ۱۳۰۰)، صرف فارسی (۱۳۰۵)، مشرق قواعد فارسی (۱۳۰۶)، رهبر قواعد فارسی (۱۳۱۰)، منتخبات شاهنامه فردوسی (۱۳۰۶)، زبده فارسی (۱۳۰۷)، قواعد مفید فارسی (۱۳۰۷)، مدار مکالمه عربی و فارسی و ترکی (۱۳۰۶)، منتخبات فارسیه (۱۳۱۳)، انتخاب گلستان (۱۳۰۴)، نوباوه قواعد فارسی (۱۳۰۷)، قواعد فارسی (چاپ شام ۱۳۰۹)، غرر القواعد الفارسیه (۱۳۱۰)، تدریسات فارسیه (۱۳۱۰)، رساله مفردات عربی و فارسی برای املا (۱۳۱۰)، ترتیب جدید تعلیم فارسی (۱۳۱۰)، قواعد فارسیه با سؤال و جواب (۱۳۱۱)، غنچه قواعد فارسی (۱۳۱۲)، معیار قواعد فارسی (۱۳۱۸)، اصول و منتخبات زبان فارسی (۱۳۱۳)، نصیحت الحکما، منتخبات حکمیه (چاپ نهم ۱۳۱۴)، رهبر قواعد فارسی (۱۳۱۴)، گلشن ادب (۱۳۱۷)، گلشن فارسی، نصایح حکما (۱۳۱۸) زبده القواعد (چاپ سوم ۱۳۱۲)، قواعد مفصل فارسی (چاپ قسطنطنیه ۱۳۲۰) طرز نوین تعلیم فارسی (۱۳۲۲)،

آموزگار پارسی (۱۳۲۴)، دستاویز فارسی خوانان (۱۳۲۵)، سنبلستان یا قرائت فارسی (۱۳۲۵)، آغاز فارسی (۱۳۲۶)، لسان فارسی (۱۳۲۷)، از ولد چلبی ایز بوداق آخرین پیرطریقت مولویه، سؤال و جواب فذلکة قواعد فارسی (۱۳۲۴)، محیط اصول فارسی (۱۳۲۷)، لسان فارسی (۱۳۲۷)، مبدأ تحصیل فارسی (۱۳۲۸) دستور زبان فارسی (۱۳۲۸)، قواعد فرسیه و نظام الکلام (۱۳۲۸)، صرف و نحو فارسی (۱۳۲۹) نتیجه قواعد فارسیه (۱۳۲۹)، مرآت لسان فارسی یا برهان ترقی فارسی، معلم قواعد فارسی (سال؟) زبان آموز برلیج تعلیم فارسی با اصول برلیج (۱۳۳۲) قرائت برای صنف دوم و سوم ابتدائی (۱۳۳۵)، قرائت برای صنف چهارم (چاپ چهاردهم ۱۹۲۳ م.) تحفه رمزی (۱۹۲۶)، ناصف المألوف، فوائد الشرقيه، قواعد فارسی و عربی و ترکی (چاپ از میر ۱۸۵۴ م.)

* * *

ذکر چهارتن از میان مؤلفان کتابهای درسی فارسی را جدا گانه، هر یک به مناسبتی، لازم می شماریم:

نخست میرزا حبیب اصفهانی نویسنده و مترجم چیره دست و شاعر طنز پرداز بزرگ ایرانی است. او که از بد حادثه به استانبول پناه برده بود، سی سال آخر زندگانی خود را در آن شهر به تألیف و نشر کتابهای مفید گذرانید و ضمناً معلم فارسی مدارس و مدتی هم عضو انجمن معارف عثمانی بود. کتابهای درسی زیر از تألیفات او منتشر شده است:

برگ سبز ۱۳۰۴، چاپ دوم برگ سبز مخصوص نوآموزان فارسی ۱۳۱۲، دبستان فارسی ۱۳۰۸، منتخبات گلستان ۱۳۰۹، رهنمای فارسی ۱۳۱۲، خلاصه رهنمای فارسی ۱۳۰۹، چاپ دوم ۱۳۱۶، رهبر فارسی ۱۳۱۰، ۱۳۱۴.

مهم ترین و معروف ترین کتاب او که آن را به تشویق امیر نظام گروسی (سفیر آن روزی ایران در عثمانی) تألیف کرده، دستور سخن است که چاپ اول آن در ۱۲۸۹ (در ۱۸۶ صفحه) منتشر شده، و خلاصه آن به نام دستور چه در ۱۲۹۳ و چاپ سوم آن در ۱۳۰۳ به چاپ رسیده است.

حبیب را باید پیشرو دستورنویسی در زبان فارسی شناخت. استاد عزیز ما زنده یاد میرزا عبدالعظیم خان قریب آغازگر این فن در کشور ما در کار خود از کتاب میرزا حبیب بهره برده، حتی تصور می‌کنم نخستین بار میرزا حبیب کلمه دستور را (که قبلاً معنی مطلق قاعده و قانون را داشته) در مورد صرف و نحو زبان به کار برده و قریب از او گرفته است.

مؤلف بزرگ دیگر که معاصر حبیب اصفهانی بوده و در سالهای شکفتگی فرهنگ عثمانی تألیفات او از مطلوب‌ترین کتابهای درسی فارسی به‌شمار می‌رفته معلم احمد فیضی [تبریزی] است. معلم فیضی بعد از تأسیس مدرسه ایرانیان در استانبول در سال ۱۳۰۱ از معلمان آن مدرسه بوده، و از این کتابهای او اطلاع داریم: تعلیم سخن ۱۲۹۲، اصول فارسی (چاپ پنجم) ۱۳۰۷، (چاپ چهاردهم) ۱۹۲۳، قند پارسی ۱۳۱۰، مختصر اصول فارسی چاپ چهارم ۱۳۰۸، چاپ پنجم ۱۳۱۴، زبان فارسی ۱۳۲۵، چاپ دوم با اضافات ۱۳۲۶، چاپ سوم ۱۳۲۷، چاپ چهارم ۱۳۲۷، چاپ دوازدهم ۱۳۲۹.

میرزا احسین خان دانش [اصفهانی] که گویا بعدها نام خانوادگی یا مستعار پدرام اختیار کرده بود، از آخرین نویسندگان و شاعران ایرانی مقیم استانبول بود. از آثار او که جزو کتابهای درسی بوده سرآمدان سخن است که برای شعبه ادبیات و الهیات دارالفنون (= دانشگاه) عثمانی در ۱۳۲۷ به چاپ رسیده، تعلیم لسان فارسی در ۴ بخش چاپ ۱۳۳۱-۱۳۳۴، جنگلستان (حکایات منظوم فارسی برای تدریس) ۱۳۳۱، منتخبات دانش ۱۳۰۹.

حسین دانش یکی از معروف‌ترین و نفیس‌ترین چاپهای رباعیات خیام را (همراه ترجمه رضا توفیق فیلسوف ترك) در ۱۳۴۰ هـ / ۱۹۲۲ م. و چاپ دوم آن را در ۱۹۲۷ در استانبول منتشر کرده و نیز کتابهای زیر از او در استانبول چاپ شده است: نوای صریر ۱۳۱۵، خرابه‌های مداین ۱۹۱۲، کنجکوی در زرتشت ۱۹۱۸، کاروان عمر ۱۹۲۵.

آقا محمد طاهر تبریزی مدیر روزنامه اختر کتابهای درسی زیر را نوشته است: آموزگار پارسی دو جلد ۱۳۲۴، دستاویز فارسی خوانان ۱۳۲۵.

از محمد نعیم فراشری شاعر آلبانیایی تبار که پیش از این دربارهٔ اوسخن گفتیم کتاب «قواعد فارسیه بر طرز نوین» در سالهای ۱۲۸۸ و ۱۳۰۳ چاپ شده است. دربارهٔ نود سالی که زبان فارسی جزو برنامهٔ رسمی مدارس عثمانی بوده و کتابهای درسی آن در دست است و فهرست نامهای آنها را آوردیم دو نکته گفتنی است. یکی اینکه در پنجاه سال نخستین، مؤلفان از اتباع عثمانی بوده‌اند و در چهل سال آخری ایرانیانی نظیر حبیب اصفهانی و فیضی تبریزی نیز به تدریس فارسی در مدارس و تألیف کتابهای درسی آغاز کرده‌اند. دیگر اینکه نخستین تألیفات نامهایی از ترکیبات عربی دارند در حالی که در سالهای بعد نامهای سادهٔ فصیح فارسی معمول شده است و این پیش از آنکه حاصل ذوق مؤلفان ایرانی باشد، اثر تجدد ادبی در عثمانی است که در شعر شاعران آن دوره و در نامهای آثار آنها دیده می‌شود و در سطور بعدی بدان اشاره خواهیم کرد.

تأثیر فارسی در شعر دورهٔ تنظیمات

در تجدیدی که به دنبال صدور فرمان تنظیمات در زمینه‌های مختلف زندگی و فرهنگ عثمانی پدیدار شد، شعر ترکی هم تحول یافت، نظیر همان تجدیدی که بعد از انقلاب مشروطیت در ادبیات فارسی به وجود آمد. این تحول و تجدد تحت تأثیر ادبیات فرانسه آغاز شد و شاعران و نویسندگان در ابتدا به ادبیات کلاسیک فرانسه توجه داشتند و سپس تر شیوه‌های تازه‌تر ادبی فرانسه هم مورد تقلید قرار گرفت. پیش از آن، شعر ترکی که شعر دیوانی نامیده می‌شد، موضوعش نظر به دین و دربار داشت و بیانش مغلط و مصنوع بود. ادبیات جدید به سوی مردم گرایش یافت. حال دیگر شاعر یا نویسنده می‌خواست و می‌گوشید که به زبان مردم بسراید و بنویسد. در ابتدای تجدد هدف این بود که فکر و موضوع جدید باشد و بیان بر پایهٔ ادب گذشته اما ساده‌تر و بی‌پیرایه‌تر و همه فهم‌تر باشد.

در چنین فضایی، شاعران ترك سادگی شعر خود را در روی آوردن به تعبیرات زبان فارسی یافتند. در اینجا نمونه‌هایی از اشعار معروف‌ترین گویندگان دورهٔ تنظیمات

را می آوریم. (کلمات فارسی و ترکی با حروف متمایز چاپ می شود).
 غالب لسقوفجه لی (در گذشته ۱۲۸۴).
 باغ عشرت طورسینا دد شب مهتاب ده
 جام می برق تجلا دد شب مهتاب ده
 جلوه گاه ایلب لب دریا یی هر حوری جمال
 سرو سیمین نخل طوبا دد شب مهتاب ده
 ضیاء پاشا (در گذشته ۱۲۹۵) از دولتمردان و ادیبان بزرگ عثمانی و مؤلف
 جنگ معروف «خرابات» در یک مثنوی مدحیه بیشتر کلمات را فارسی آورده است:
 شاه دوران حضرت عبدالعزیز ماه رخشان حضرت عبدالعزیز
 شهریار شهریاران جهان تاجدار تاجداران زمان
 عاقل و دانا خداوند زمین کامل یکتا خداوند فطین^۱
 مبتدای خطبه فضل و رشاد منتهای رتبه عقل و سداد^۲...
 در ادبیات تنظیمات سه تن درخشان ترین چهره های تجدد ادبی شناخته شده اند
 نامق کمال، اکرم رجایی زاده، عبدالحق حامد. اینک نمونه هایی از تأثیر فارسی را
 در سخن آنان می بینیم:

نامق کمال (در گذشته ۱۳۰۶ قمری):

عروس ملک، ترتیبات حشمت جوهر جان دد

دلود خوناب مردان وطن پیرایه دولت

اکرم رجایی زاده (در گذشته ۱۳۲۹)

حیاض باغ، برگ ریز	سر درخت، مشت زن
شکوفه لوله پسر ستیز	غصون ایچند، پر غریو
یم چمن ده موج خیز	نهال گل ده تب نما
زمان زمان سما گریز	چمن چمن زمین گذر
نسیم بیقرار ی گود	هدا پرست و پر هوس

۱- فطین: به معنی زیرک. در فارسی فقط به صورت فطن به کار می رود.

۲- اسماعیل حبیب: تورک تجدد ادبیاتی تاریخی، چاپ استانبول ۱۳۴۰: ص ۱۳۲. شواهد دیگر نیز از همان کتاب نقل شده است.

ای گفت و شنید هوس، ای الفت شائق

ای برف و تگرگ و مطر، ای برق صواعق

نامهای تعدادی از کتابهای اکرم رجایی زاده فارسی است. از آن جمله: نغمه سحر، یادگار شباب، ناچیز، پژمرده، زمزمه، نفرین. وقتی ارزش این نوگرایی و فارسی‌گزینی در نام کتابها روشن‌تر می‌شود که سنت نامگذاری کتابها را در زبان فارسی و در آثار ترکی به یاد آوریم که نام کتاب همیشه ترکیبات عربی بود: الا و امر العلائیه فی الامور العلائیه (ابن بی‌بی)، راحه الصدور و آیه السرور (راوندی)، جوامع الحکایات و لوامع الروایات (عوفی) کشف الاسرار و عدة الابرار (میبیدی)، فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه (محمود بن عثمان) مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه (کاشانی).

عبدالحق حامد (در گذشته ۱۹۳۷) آخرین شاعر بزرگ ادبیات تنظیمات و از دوستان ایران بود. پدرش خیرالله افندی از ۱۲۸۲ تا ۱۲۸۴ سفیر عثمانی در ایران بود. او در تهران به دنیا آمد و بعدها تحصیلات خود را در فرانسه تکمیل کرد. عبدالحق حامد هم برای نوآوری در شعر خود از زبان فارسی کمک گرفته و نامهای فارسی برای تعدادی از کتابهای خود برگزیده است: ماجرای عشق، دختر هندو، جنون عشق، نسترن، الهام وطن، یادگار حریت. در لابلای اشعار ترکی هم گاهی ناخودآگاه مصرعها و بیتهای فارسی سروده است، چون این بیت:

حزن و شادی برادر توأم یأس و امید نامزد درهم

کاروان تجدد پیش می‌رفت، اشعارنو به بازار می‌آمد، ادبیات تنظیمات هم دیگر کهنه و دل‌آزار می‌نمود. عده‌ای از شاعران و نویسندگان جوان مجله‌ای به نام «ثروت فنون» تأسیس کردند و در شعر و رمان و نمایشنامه از سبک رئالیسم فرانسه پیروی کردند. سبک ادبای «ثروت فنون» مثل بازپسین نویسندگان و شاعران تنظیمات در ادبیات جدید ایران بی‌تأثیر نبود. در این باره در گفتار بعد سخن خواهیم گفت. آخرین نمونه را از شعرهای توفیق فکرت یکی از نامداران گروه ثروت فنون می‌آوریم که مجموعه اشعارش «رباب شکسته» نام دارد.

نموده هر گوشه سندن عکوس گوناگون	ظلال رنگارنگ
هوای رایحه دار نده لرزه بخش درون	رمیده بر آهنگ
بو جامه خواب ربیعی ده، بر تن شیرین	تن حیات آرا
برهنه سینه و ساعد، برهنه ساق و سرین	برهنه سر تا پا

تأثیر پذیری ادبیات جدید ترك از ادب فارسی، منحصر به استفاده شاعران از الفاظ نغز و شاعرانه فارسی نبود. نویسندگان رمان و نمایشنامه هم داستانها و حوادث تاریخی ایران باستان را زمینه مناسبی برای کار خود می یافتند. پیش از این به نمایشنامه «کاو» داستان قیام ایرانیان بر ضد ضحاک مار دوش تازی اثر شمس الدین سامی معروف و «سهراب یا فرزند کش» او اشاره کردم. در اینجا از چند نمونه معروف دیگر که چاپ شده است نام می برم:

تراژدی سیاوش، نمایشنامه چهار پرده ای از احمد مدحت، چاپ ۱۳۰۱ استانبول
 تراژدی سرگذشت اشک دوم، از علی حیدر، چاپ ۱۲۸۲ استانبول
 سرگذشت پرویز، از علی حیدر، چاپ ۱۲۸۲ استانبول
 رستم زال، رمان بزرگ تاریخی، از راسم اوزگن ۱۹۶۲
 شاه اسماعیل از فریدون فاضل تو لبتدچی چاپهای ۱۹۵۲، ۱۹۵۶
 پاره ای از آثار خارجی هم (بیشتر از زبان فرانسه) به وسیله ادیبان ترك یا ایرانیان مقیم استانبول به فارسی ترجمه و چاپ شده است. از آن جمله است:
 پاك نهاد و پا کدامن، اقتباس از فرانسه، احمد فیضی [تبریزی] ۱۳۰۱ استانبول
 گزارش مردم گریز، ترجمه فارسی Misanthrope مولیر، ۱۲۸۲ استانبول
 (ظاهراً از حبیب اصفهانی).

تعدادی داستانهای مورد توجه عامه دم هست که بعضی از آنها بارها و به وسیله چند مترجم به ترکی ترجمه و چاپ شده است: رستم زال، فرهاد و شیرین، شاه اسماعیل، خورشید و ماه مهر (?)، حکایت شاه ماران، بهرام گور، بهمن شاه، دریکتا، رازنهان و ماه فیروز، طوطی نامه، چهار درویش، رستم و سیاوش^۱.

۱- ترك: کتابشناسی ترکیه درباره ایران.

تأثیر ادب عثمانی در ادبیات جدید فارسی

تا اینجا نفوذ و تأثیر زبان و ادب فارسی را در زبان و ادبیات سرزمین همسایه، قدم به قدم در طی شش قرن بیان کردیم. جای آن است که تأثیر متقابل آفریدگان ذهنی و ذوقی همسایه را در ادب خود ناگفته نگذاریم.

پیش از این گفتیم که لغات و اصطلاحات مربوط به تمدن جدید، از عصر ناصر-الدین شاه تا بعد از مشروطیت از راه زبان عثمانی وارد زبان فارسی شد. اینک به تأثیر ادبیات عثمانی در ادبیات فارسی اشاره ای می‌کنیم.

نخست باید توجه کرد از دوره نادرشاه که راه بازرگانی ایران و اروپا از راه عثمانی بعد از دو قرن و نیم بسته بودن گشوده شد، عده ای از بازرگانان ایرانی در استانبول اقامت گزیدند و رفته رفته با افزایش تعداد آنها نهادهای جدید ایرانی در آن دیار به وجود آمد. در ۱۳۰۱ قمری دبستان ایرانیان و در ۱۳۰۴ بیمارستان ایرانیان تأسیس گردید.

در دوره ناصرالدین شاه، کسانی از اهل اندیشه و قلم هم از فشار ظلم و استبداد ترك وطن کرده خود را به استانبول رسانیدند. از آن جمله میرزا حبیب اصفهانی شاعر بزرگ طنزپرداز و مترجم شیرین قلم حاجی بابای اصفهانی در ۱۲۸۳ به استانبول رفت

و تا پایان عمر خود (۱۳۱۱) در آن شهر به تألیف و چاپ کتاب اشتغال داشت و خانه او مرکز اجتماع اهل ادب از ایرانیان و دوستان ایران بود. حبیب محققى هوشمند و شاعری توانا و نویسنده‌ای چیره‌دست و لطیف طبع بود و به علت دور افتادگی از ایران و بی‌بروایی در هزلیات شهرتی را که درخور مقام اوست نیافته است.^۱

میرزا آقاخان کرمانی متفکر و شاعر و نویسنده شهید در اواخر سال ۱۳۰۳ به استانبول رسید و به میرزا حبیب پیوست و تا وقتی که گرفتار شد و جان بر سر اندیشه‌های خود نهاد در آن شهر به تألیف و ترجمه گذرانید.^۲

از عده‌ای دیگر: از سید محمد توفیق همدانی، احمد فیضی تبریزی و حسین دانش اصفهانی هم پیش از این نام بردیم که در مدارس عثمانی درس می‌دادند و کتابهای درسی برای مدارس عثمانی نوشته‌اند و از قرآنی برمی‌آید که شاید برخی از آنان تابعیت عثمانی را پذیرفته بوده‌اند.

در آن سالها، سلطان عبدالحمید که هوای خلافت اسلامی بر سرش زده بود، انجمنی به نام اتحاد اسلام تشکیل داده بود و عده‌ای از ایرانیان هم در آن شرکت داشتند. عبدالحمید ناصرالدین شاه را تنها مانع رسیدن به آرزوی خود می‌دانست و موجبات نابودی او را فراهم کرد.

مقارن با انقلاب مشروطیت، انجمنی به نام انجمن سعادت ایرانیان در استانبول تشکیل یافت که واسطه رساندن خبرهای ایران و فجایع محمدعلی میرزا به گوش جهانیان بود. عده‌ای از آزادیخواهان از جمله حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی و ابوالحسن خان معاضد السلطنه (پیرنیا) و محمدعلی تربیت در آنجا مشغول فعالیت بودند. سید حسن تقی‌زاده هم بعد از ترك مجلس دوم سالهای ۱۳۲۸-۱۳۲۹ را در استانبول گذرانید.

در ۱۳۳۰ بعد از کشتار روسها در تبریز عده‌ای از وطن پرستان از جمله محمدعلی

۱- درباره میرزا حبیب اصفهانی رجوع شود به: خان‌ملك ساسانی مجله ارمنان سال ۱۰ اردی بهشت و خرداد ۱۳۰۸ ص ۱۱۰-۱۲۰ و ۲۶۸-۲۷۲؛ سفرنامه حاجی پیرزاده، چاپ حافظ فرمانفرمائیان ج ۲ ص ۹۴-۹۶، ایرج افشار مجله یغما سال ۱۳ ص ۴۹۱-۴۹۷.

۲- رجوع شود به: اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، چاپ دوم تهران ص ۱۵۷.

تربیت، رضازاده شفق، محمود غنی زاده، اسماعیل امیرخیزی خود را به استانبول رسانیدند.

در جنگ جهانی اول وقتی که دولتهای روس و انگلیس با وجود اعلام بیطرفی ایران از دوسوی وطن ما را اشغال کردند، عده‌ای از ملیون دولتی به ریاست نظام السلطنه مافی در کرمانشاه تشکیل دادند. اما سرانجام در اواخر جنگ بعد از اشغال کرمانشاه به دست روسها و تصرف بغداد به دست انگلیسها سران ملیون به استانبول مهاجرت کردند.

در میان مهاجران، شاعران جوانی چون عارف قزوینی، لاهوتی کرمانشاهی، عشقی همدانی بودند که به سایر آزادیخواهان و متفکران ایرانی مقیم استانبول پیوستند. این گروه در محیط سراپا جنب و جوش فکری استانبول، با اندیشه‌ها و سبکهای جدید در آثار متفکران و شاعران و نویسندگان عثمانی آشنا شدند و از آنها تأثیر پذیرفتند که در سطور زیر به این تأثیر پذیرها اشاره خواهیم کرد.

وجود آن عده از اهل اندیشه و قلم که پیش از آن در حوادث مختلف به استانبول رفته و در آنجا مقیم شده بودند، يك محیط مناسب برای بحثهای ذوقی و علمی و ادبی در مجامع ایرانیان آنجا فراهم کرده بود. این را می‌دانیم که نخستین روزنامه فارسی چاپ خارج به نام اختر در ۱۲۹۲ قمری به مدیریت آقا محمد طاهر تبریزی و سردبیری نجفعلی خان خویی در استانبول تأسیس شد و تا ۱۳۰۸ انتشار می‌یافت. از ۱۳۲۶ هم روزنامه شمس به مدیریت سید حسن شمس قزوینی به مدت ۱۴ سال تا پایان جنگ جهانی اول و انقراض امپراطوری عثمانی منتشر می‌شد. علی‌اکبر دهخدا بعد از تعطیل صور اسرافیل در ایران، چند شماره روزنامه سروش را به کمک انجمن سعادت در استانبول منتشر کرد. ابوالقاسم لاهوتی و حسن مقدم (علی نوری) نویسنده نماینده «جعفرخان از فرنگ آمده»، ۶ شماره مجله پارس را به فارسی و فرانسه در ۱۳۰۰ شمسی در آنجا منتشر کردند.

سنت حمایت از زبان فارسی هم تا دوره آخرین پادشاهان عثمانی ادامه داشت. مثلاً وقتی روزنامه فارسی اختر در ۱۲۹۳ قمری تعطیل شده بود، سلطان عبدالحمید دوم سفیر ایران را به تجدید انتشار آن تشویق می‌کرد. محسن خان معین -

الملك (مشیرالدوله بعدی) سفیر ایران در طی دو گزارش به وزارت امور خارجه چنین نوشته است:

«عید قربان به ملاقات سلطان رفته، و از بسته شدن روزنامه اختر اظهار تکدر فرموده، گفتند: حیف است در اسلامبول به زبان فارسی که اساس زبان ترکی است و اعذب السنه است روزنامه ای نباشد. و خیلی اظهار تمایل به انتشار روزنامه فارسی نمودند».

«۲۸ محرم ۱۲۹۴ نظر به تشویق سلطان روزنامه اختر دوباره دایر شد. نسخه اولش را به حضور فرستادم، ۵۵ نسخه آبونه شدند و پولش را فرستادند. بیست نسخه به وزارت خارجه و بیست نسخه به معارف و ده نسخه به دربار و پنج نسخه به شاهزادگان قسمت فرمودند. يك نسخه هم علیحده برای خودشان خواستند. گویا خیال دارند يك عطیه مستمراً برای آقا محمد طاهر [مدیر روزنامه] بفرستند»^۱.

تردیدی نیست که هدف اصلی پادشاه بلند پرواز توپنه گری مثل عبدالحمید، در کمک به انتشار روزنامه فارسی در استانبول این بود که در فرصتهای مناسب برای پیشبرد سیاست خود از وجود آن استفاده کند. اما این راهم نباید فراموش کرد که این پادشاهان در جوانی فارسی خواننده بودند و به زبان و ادب فارسی علاقه داشتند و مشوق تألیف و ترجمه به این زبان بودند. شیخ الرئیس ابوالحسن میرزا قاجار متخلص به حیرت (در گذشته ۱۳۳۶ قمری) که در ۱۳۲۷ هنگام جلوس سلطان محمد پنجم در استانبول بوده قصیده ای در تبریک جلوس او ساخته است.^۲

عبداله جید شیروانی از ایرانیان آن سوی ارس هم که مقیم استانبول بوده، رساله «محاسن اخلاق محمدیه» را به نام مادر همان پادشاه نوشته است.^۳ از همین نویسندگان کتابهای «کنجینه قواعد فارسیه»، چاپ ۱۲۹۹ استانبول و «نتیجه قواعد فارسیه» برای

۱- خان ملک ساسانی، یادبودهای سفارت استانبول، ۱۳۴۵، تهران، ص ۲۰۵-۲۰۶.

۲- فهرست توپقا پوسرای، ص ۲۹۸.

۳- همانجا: ص ۸۵.

مکاتب ابتدایی و سلطانی چاپ ۱۳۲۹ در دست است.

* * *

تجدد فکری و ادبی در ایران، البته تحت تأثیر آثار متفکران اروپایی مخصوصاً فرانسویان به وجود آمده است. اما آشنایی با تجربه ادبیان ترک که پیش از ما این راه را رفته بودند بی اثر نبود.

اصول تجددخواهی مطلوب در هر دو کشور در این زمینه‌ها بود: از نظر فکری توجه به ملیت‌خواهی و خردگرایی، در زمینه زبان ساده‌تر کردن آن و کاربرد تعبیرات نغز ساده به جای لغات مغلق خسارچی، در شعر و گردانی از تقلید گذشتگان و ایجاد سبک‌های جدید در خور بیان مفاهیم زندگی جدید، و نیز ایجاد انواع جدید ادبی از رمان و نمایشنامه و اپرا.

ترک‌ها پیش از ما در این راه قدم برداشته بودند و تجاربی اندوخته بودند. اما تجربه آموختن از آنان برای ایجاد تجدد مطلوب، به نحوی که با سرشت زبان و فرهنگ ملی سازگار باشد و بیگانه ننماید، آسان نبود. ذوق و سواد و استعداد و ابتکار می‌خواست و تأمل و تفکر کافی.

در آن روزها عده‌ای بیسواد بیدوق آسانگیر به تفنن سطحی، تعبیرات عثمانی را می‌گرفتند و در نظم و نثر خود به کار می‌بردند که چیز مضحک و بیمزه‌ای از آب درمی‌آمد. مجله کاوه که به مدیریت سید حسن تقی‌زاده در برلن چاپ می‌شد، در دوره دوم انتشار خود که سیاست را کنار نهاده و به بحث‌های ادبی و اجتماعی می‌پرداخت، ستونی به نام «فارسی خان‌والده»^۱ باز کرد و در آن این نوع نوشته‌ها را مورد نقد و استهزا قرار داد. و این کاری ثمربخش بود.

از آن تقلیدهای سطحی لفظی که بگذریم، می‌رسیم به آثار جوانان با ذوق مستعدی که در آن سالها ایامی را در استانبول گذرانیده و با شیوه‌های جدید ادبیات عثمانی آشنایی یافته، و به فکر ایجاد تجدد ادبی در ایران افتاده‌اند، و در آنجا یا بعد از

۱- خان به معنی کاروانسرا، «خان‌والده» یعنی کاروانسرای مادر سلطان، محل کار بازرگانان و پیشه‌وران ایرانی در استانبول بود و مسافران ایرانی در حجره‌های آن منزل می‌کردند و محوطه‌اش محل اجتماع ایرانیان بود.

بازگشت به ایران آثاری پدید آورده‌اند، که اگرچه هیچ يك آثار اصیل ماندگار نبوده، اما به‌ر صورت در آن سالها نخستین نمونه‌های ادبیات جدید ایران شناخته شده و مورد توجه و رغبت خوانندگان قرار گرفته و مقدمات تجدد ادبی در ایران را فراهم آورده است.

پیش از ذکر نمونه‌ها، این نکته بديهی را هم نباید از نظر دور برداریم که میزان تأثیر پذیری اهل قلم با مدت اقامت هر يك در محیط عثمانی، وسن و سال شاعر و نویسنده در آن سالها ارتباط داشته است. مثلاً شیخ‌الرئیس با اینکه چندین سفر به استانبول رفته، اما چون مدت اقامتش کوتاه بوده، و در سن کمال مسافرت کرده بوده، در شعر او تأثیر محسوسی دیده نمی‌شود. برعکس، عشقی که در جوانی چندسال در استانبول گذرانیده بیش از هر شاعر و نویسنده ایرانی تحت تأثیر قرار گرفته است و درباره او به‌موقع سخن خواهیم گفت.

اینک از نخستین و بزرگترین مسافران شروع می‌کنیم، از حبیب اصفهانی. تحول در آثار این مرد بزرگ به دو سبب چشمگیر نیست. نخست اینکه او هم در سن کمال به استانبول رسیده بوده، دوم اینکه در آن سالها ادب عثمانی هنوز در آغاز راه تجدد بود. با اینهمه آزاداندیشهای او، وروانی و سادگی و شیرینی زبان او در ترجمه حاجی بابای اصفهانی دور از کهنگی معمول در نوشته‌های آن روز ایران است. در ترجمه منظوم او از نمایشنامه مولیر به نام «گزارش مردم گریز» هم تعبیرات عثمانی وارد شده است^۱. کارهای تحقیقی او «دستور سخن» در دستور زبان فارسی و نیز متنهای بالنسبه ارزنده دیوان اطعمه بسحق و دیوان البسه نظام قاری که تصحیح و چاپ کرده و فهرست لغات که بر آنها افزوده، حاصل ارتباط او با اروپاییانی که نزد او فارسی می‌خواندند، و نیز نشانه تجددی است که در محیط آن روز عثمانی وجود داشته است.

می‌رسیم به شاعر و نویسنده و متفکر بزرگ سیاسی و اجتماعی مان، میرزا آقاخان کرمانی که در مدت ده سال اقامت در استانبول ضمن آشنایی با تجدد طلبی عثمانیها

۱- یحیی آرین‌پور، از صبا تا نیما، ج ۱ ص ۳۳۷-۳۳۸.